

«سر آمد» گزارش می‌دهد؛

# خبر خوب «آغاز لایروبی اروندرود»!

صادق: اتفاق بزرگی که سازمان برنامه وسازمان بنادر پای کار آن هستند

**گروه گزارش - امید اسماعیلی -** موضوع خارج سازی مغروقه ها در اروندرود بارها در روزنامه اقتصادسرآمد پی گیری شده است مغروقه‌هایی از زمان جنگ تحمیلی در آبراه بین‌المللسی اروندرود وجود دارد به مانعی برای توسعه تجارت دریایی تبدیل شدند. از مدت‌ها قبل گفته می‌شد که خارج‌سازی این مغروقه‌ها یک امر مشارکتی بین ایران و عراق است. با این حال در تمام این مدت ایران آمادگی کامل خود را برای اجرای طرح خارج‌سازی مغروقه‌ها اعلام کرده و آنطور که مسئولان سازمان بنادر و دریانوردی پیش‌تر اعلام کرده‌اند، به محض اینکه کشور عراق موافقت کند این طرح اجرایی خواهد شد.

به گزارش اقتصادسرآمد، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در حال حاضر ۲۷فروند شناور غرق‌شده در آب‌های مشترک ایران و عراق وجود دارد که لازم است خارج‌سازی شوند تا در این آبراه امنیت بیشتری ایجاد شود. از این تعداد حدود ۱۴ شناور مغروقه در حد فاصل میان بندر خرمشهر و اروندکنار قرار دارد. همچنین از دهانه اروندرود تا بنادر آبادان و خرمشهر حدود ۶۲مایل دریایی فاصله وجود دارد و در هفت ماه گذشته ۱۵۵۰شناور سبک و سنگین از این دو بندر تردد کرده‌اند.

این جمله «از بندر خرمشهر تا اروندکنار ۱۴فروند مغروقه وجود دارد که یکی از آن‌ها آسیب بیشتری دیده و اجازه ورود کشتی با تناژ بالاتر را نمی‌دهد؛ تلاش می‌شود این مغروقه را تا ۲سال آینده خارج کنیم». بخشی از صحبت‌های فرانزه صادق، وزیر راه و شهرسازی دولت چهاردهم در نشست بهمین ماه ۱۴۰۳ شورای برنامه‌ریزی و توسعه خوزستان در جریان سومین سفر استانی دولت به استان خوزستان بود. وعده ای که به نظر می‌رسد باوجود سال‌ها تلاش و برنامه‌ریزی برای خروج مغروقه‌های موجود در اروندرود، هنوز هم نیازمند تلاش‌های بیشتری برای حل این موضوع هستیم و دولت

چهاردهم نیز در همین راستا پیش‌بینی‌هایی را انجام داده است. وزیر راه و شهرسازی در همین بازه زمانی در بازدید از بندر خرمشهر بر تسریع در لایروبی دهانه اروندرود و خارج‌سازی مغروقه‌ها برای رونق دوباره تجارت و توسعه این بندر و پیشرفت شهر خرمشهر از این آبراه تاکید کرد و گفت: خارج سازی مغروقه‌های به جا مانده از ۸سال دفاع مقدس به منظور روان‌سازی تردد شناورهای سبایز بزرگ در اروندرود در دستور کار قرار دارد.

#### آغاز خارج‌سازی مغروقه‌های اروندرود

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی حالا اما در اسفندماه ۱۴۰۴ در تشریح اقدامات دولت در حوزه بنادر از آغاز لایروبی اروندرود خبر داد و گفت: یک اتفاق دیگر نیز در سازمان بنادر رخ داده است. سال‌ها است که اروندرود لایروبی نشده بود. لایروبی اروندرود نه تنها برای استان خوزستان که برای کشور اهمیت دارد. ما لایروبی را آغاز کردیم.

وی درباره اینکه چند وقت بود که لایروبی اروندرود انجام نشده بود، گفت: از بعد جنگ تحمیلی اتفاقی در لایروبی رخ نداده بود. مغروقه‌هایی را در آنجا داریم که از زمان جنگ در آب است که بزرگ‌ترین آن مغروقه خانیان است و تلاش داریم تا عید این مغروقه را از اروندرود خارج کنیم. این امر بسیار اثرگذار است. اگر کشتی‌هایی که الان در اروندرود حرکت می‌کنند؛ دو هزار الی سه هزار تن هستند پس از لایروبی امکان تردد کشتی‌های ۱۰ هزار الی ۱۵ هزار تن وجود خواهد داشت. به گفته صادق، این لایروبی و خسارج کردن مغروقه‌ها اتفاق بزرگی است که سازمان برنامه و سازمان بنادر پای کار آن هستند.

اهمیت اروندرود برای توسعه استان خوزستان براساس گزارش اقتصادسرآمد، اروندرود، رودی استراتژیک میان ایران و عراق، سال‌هاست که از لایروبی محروم

مانده و عمق کم آن تجارت دریایی و اقتصاد بندرهای خرمشهر و آبادان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با وجود وعده‌های مکرر و توافقات متعدد، بی‌میلی عراق و چالش‌های مدیریتی مانع اجرای پروژه‌های حیاتی لایروبی شده‌اند. رودها در شهرهای بندری خرمشهر و آبادان مثل رگ در بدن مهم هستند و در یک کلام سبب کسب و کار و رونق در این شهرها می‌شوند، ولی به گل نشستن کشتی غرق‌شده یا همان مغروقه‌ها و گل‌ولای بر جای مانده از سال‌های جنگ، توان این بنادر را کاهش داده است. این رودخانه یکی از استراتژیک‌ترین رودخانه‌های کشور است و جدل بر سر آن به دوران عثمانی‌ها برمی‌گردد و اوج درگیری‌ها در دوران حکومت پهلوی بر ایران بود که برای حل‌وفصل این اختلاف بر سر مرز مشترک میان ایران و عراق، پای مذاکرات به مجامع بین‌المللی باز شد و در نهایت عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر به یک توافق ختسم و خط مرزی دو کشور یا همان خط تالوک در میانه این رود مشخص شد. خط تالوک که این روزها زیر گل‌ولای مدفون شده و به گفته مدیرکل بندر و دریانوردی خرمشهر، ۱۰درصد هم به سمت عراق متمایل شده، اتفاقی است که جرعه آن از جنگ تحمیلی زده شد. طولانی شدن جنگ عراق علیه ایران که بی‌ارتباط به اروندرود نبوده باعث شده از این رودخانه به ۹متر عمق، آبراهه‌ای بسا ۳۵میلیون مترمکعب گل‌ولای بر جای بماند؛ اتفاقی که ضربه‌ای جدی به پیکر بنادر مسیر خود از جمله بندر خرمشهر وارد کرد.

#### خارج‌سازی مغروقه‌ها مقدمه لایروبی

یکی از موانع مهم لایروبی اروندرود بحث خارج‌سازی مغروقه‌ها در کارون و اروندرود است؛ مغروقه‌هایی که روزگاری کشتی‌ها و شناورهای مختلف و حتی اقیانوس‌پیما بودند. در سال ۱۳۹۶ مسئولان از برنامه‌ریزی برای

می‌شود؛ بازارهایی که از دست رفتن شان بسیار ساده‌تر از بازپس‌گیری آن‌هاست.

#### برق؛ هزینه‌ای که هم گران‌تر شد و هم ناپایدار

در کنار جهش نرخ گاز، برق نیز بی‌صدا اما مؤثر به عامل فشار تبدیل شده است. رشد تعرفه برق صنایع طی سال‌های اخیر و قطعی‌های گسترده در تابستان، بخشی از ظرفیت تولید را از مدار خارج می‌کند. توقف ناگهانی خطوط، به‌ویژه در کوره‌های قوس الکتریکی، علاوه بر کاهش تولید، هزینه‌های فنی و استهلاک تجهیزات را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، صنعت فولاد نه‌تنها انرژی گران‌تری مصرف می‌کند، بلکه در دوره‌های اوج مصرف با کمبود همان انرژی نیز مواجه است. قیمت بالا و دسترسی نامطمئن، به‌رهوری سرمایه را کاهش می‌دهد و هزینه‌های سربرار را بالا می‌برد.

#### آب؛ بحران خاموش تابستان

چالش انرژی به گاز و برق محدود نمی‌شود. در بسیاری از استان‌های صنعتی، محدودیت منابع آبی و افزایش هزینه‌های تأمین آب از طریق انتقال یا بازچرخانی، فشار مضاعفی بر شرکت‌ها وارد کرده است. در ماه‌های گرم سال، دغدغه تأمین پایدار آب برای خطوط تولید به یک ریسک عملیاتی تبدیل می‌شود؛ ریسکی که کمتر دیده می‌شود اما اثر مالی قابل توجهی دارد. فولاد یک صنعت مادر است. افزایش بهای آهن اسفنجی و شمش، تنها در ترازنامه شرکت‌ها باقی نمی‌ماند؛ این رشد هزینه به صنایع پایین‌دستی، پروژه‌های عمرانی و حتی بازار مسکن منتقل می‌شود. در نتیجه، پیامد افزایش نرخ انرژی می‌تواند به تورم بخشی و کاهش رقابت‌پذیری صنعتی بینجامد.

#### نوسان و بی‌ثباتی صنعت فولاد را سر در گم کرده است

بی‌توجهی سیاست‌گذار به پیامدهای افزایش قیمت گاز، به‌ویژه زمانی که این افزایش بدون سقف مشخص، فرمول شفاف و دوره‌گذار تدریجی اعمال می‌شود، می‌تواند تبعات عمیقی برای صنایع انرژی‌بر و به‌طور خاص صنعت فولاد در ایران به همراه داشته باشد. صنعت فولاد در ایران طی سال‌های گذشته بر پایه مزیت نسبی انرژی ارزان توسعه یافته و بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها در زنجیره احیای مستقیم با همین فرض اقتصادی شکل گرفته است. وقتی این مزیت به‌صورت ناگهانی تضعیف می‌شود، ساختار هزینه تولید دچار تغییر اساسی شده و حاشیه سود شرکت‌ها به شدت کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، نخستین اثر قابل مشاهده کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای صادراتی است. بازار فولاد بازاری جهانی و رقابتی است و کوچک‌ترین افزایش در بهای تمام‌شده می‌تواند منجر به از دست رفتن مشتریان خارجی شود. از سوی دیگر، با بالا رفتن هزینه انرژی و محدودیت در افزایش قیمت فروش داخلی، تعادل مالی شرکت‌ها به هم می‌ریزد و فشار بر نقدینگی تشدید می‌شود. این وضعیت می‌تواند طرح‌های توسعه‌ای را متوقف کرده، سرمایه‌گذاری‌های جدید را به تعویق بیندازد و حتی برخی واحدها را به کاهش ظرفیت تولید یا تعدیل نیرو وادار کند.

پیامدهای این روند تنها به خود صنعت فولاد محدود نمی‌ماند. فولاد ماده اولیه بسیاری از صنایع پایین‌دستی از جمله ساختمان، خودروسازی و لوازم خانگی است. افزایش هزینه تولید در



**افزایش ۶۶درصدی نرخ گاز صنایع فولادی در فاصله یک ماه، صرفاً یک اصلاح تعرفه‌ای نیست؛ این تصمیم، مستقیماً به قلب مدل اقتصادی صنعتی اصابت کرده که طی دو دهه گذشته بر پایه «انرژی رقابتی» رشد کرده است.**

جهش نرخ هر مترمکعب گاز از ۶۸۱۸تومان به ۱۱۳۵۲تومان و در برخی موارد عبور از مرز ۱۵هزار تومان، ساختار هزینه‌ای زنجیره فولاد را دگرگون کرده و معادلات سودآوری، سرمایه‌گذاری و صادرات را وارد مرحله‌ای تازه از ابهام کرده است.

#### گاز؛ از مزیت استراتژیک تا ریسک ساختاری

در مدل تولید مبتنی بر احیای مستقیم (DRI)، گاز طبیعی فقط سوخت نیست؛ خوراک اصلی تولید آهن اسفنجی است. به همین دلیل، افزایش ناگهانی قیمت آن مستقیماً بهای تمام‌شده را هدف می‌گیرد. برآوردها نشان می‌دهد جهش اخیر می‌تواند هزینه تولید آهن اسفنجی را تا حدود ۳۰درصد افزایش دهد؛ افزایشی که به‌صورت زنجیره‌ای به شمش و سپس محصولات نهایی منتقل می‌شود. صنعت فولاد ایران سال‌ها با اتکا به دسترسی گسترده به گاز طبیعی توانست جایگاه خود را در میان تولیدکنندگان بزرگ جهان تثبیت کند و میلیاردها دلار سرمایه جذب کند. اکنون همان مزیت رقابتی، به متغیری پرریسک تبدیل شده است؛ متغیری که بیش از هر عامل بیرونی، درون ساختار هزینه تولید قرار دارد.

#### فشار مضاعف؛ وقتی بازار کشتش ندارد

این افزایش هزینه در شرایطی رخ داده که بازار داخلی با رکود نسبی تقاضا روبه‌روست و صادرات نیز در فضای رقابتی فشرده انجام می‌شود. تولیدکننده امکان انتقال کامل رشد هزینه به قیمت فروش را ندارد؛ در نتیجه حاشیه سود تحت فشار مستقیم قرار می‌گیرد. کاهش سودآوری تنها یک عدد در صورت‌های مالی نیست؛ پیام آن تعویق طرح‌های توسعه‌ای، افزایش احتیاط در سرمایه‌گذاری و بالا رفتن ریسک تعطیلی واحدهای کوچک و متوسط است. در چنین فضایی، حتی حفظ بازارهای صادراتی نیز به چالشی جدی تبدیل

# افزایش بی‌مهار قیمت گاز؛ بحرانی که می‌تواند صنعت فولاد ایران را زمین‌گیر کند



بالادست، دیر یا زود به زنجیره بعدی منتقل می‌شود و می‌تواند موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را در اقتصاد ایجاد کند. هم‌زمان، شرکت‌های فولادی سهم قابل توجهی در بازار سرمایه دارند و کاهش سودآوری آن‌ها بر شاخص‌ها و اعتماد سرمایه‌گذاران اثر منفی خواهد گذاشت. از منظر فضای کسب‌وکار نیز نبود سقف و چارچوب مشخص برای افزایش نرخ گاز، سطح نااطمینانی را بالا می‌برد. صنایع بزرگ برای فعالیت خود نیازمند افق پیش‌بینی‌پذیر هستند. اگر تولیدکننده نداند در ماه‌ها یا سال‌های آینده با چه سطحی از هزینه انرژی مواجه خواهد شد، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت عملاً غیرممکن می‌شود. در چنین فضایی، ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یافته و انگیزه ورود سرمایه‌های جدید کاهش می‌یابد.

اصلاح قیمت انرژی و واقعی‌سازی آن می‌تواند از نظر اقتصادی اقدامی قابل دفاع باشد، اما اگر این اصلاح بدون سازوکار حمایتی، بدون زمان‌بندی تدریجی و بدون ایجاد امکان بهینه‌سازی مصرف انجام شود، بیش از آنکه به بهبود ساختار اقتصادی کمک کند، فشار سنگینی بر تولید وارد خواهد کرد. در صنعتی مانند فولاد که یکی از پایه‌های اشتغال، ارزآوری و بازار سرمایه کشور محسوب می‌شود، بی‌توجهی به این ملاحظات می‌تواند به کاهش تولید، افت صادرات و تعمیق رکود اقتصادی منجر شود. چالش امروز فولاد صرفاً افزایش یک عدد در جدول تعرفه‌ها نیست؛ مسئله، نبود یک سازوکار شفاف، پایدار و قابل پیش‌بینی برای قیمت‌گذاری انرژی صنایع راهبردی است. حتی افزایش قیمت نیز اگر در چارچوبی مشخص و بلندمدت تعریف شود، قابلیت برنامه‌ریزی دارد؛ آنچه سرمایه‌گذار را نگران می‌کند، نوسان و بی‌ثباتی است. در ادامه باید تاکید کنیم صنعت فولاد برای بقا به امتیاز ویژه نیاز ندارد؛ آنچه مطالبه می‌کند ثبات در سیاست‌گذاری است. مزیتی که به پایه آن شکل گرفت. دسترسی رقابتی به انرژی در صورت مدیریت هوشمندانه می‌تواند حفظ شود. اما اگر روند نوسانی در قیمت‌گذاری ادامه یابد، انرژی که روزی موتور محرک توسعه بود، به پاشنه آشیل رقابت‌پذیری تبدیل خواهد شد. افزایش ۶۶درصدی نرخ گاز، نقطه عطفی در مسیر سیاست انرژی صنعتی کشور است؛ نقطه‌ای که می‌تواند یا به بازتعریف هوشمندانه مزیت‌ها بینجامد، یا به فرسایش تدریجی جایگاه صنعتی که سال‌ها برای ساختنش سرمایه‌گذاری شده است.